

بسم الله الرحمن الرحيم
وصلی الله علی محمد وآله
تدبر حسینی (ع)

شرح زیارت عاشورا (۵)

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ وَ عَلَى الْأَزْوَاجِ الَّتِي حَلَّتْ بِفَنَائِكَ

بی تو در بین حرم بانگ عزا افتاده وای قاسم عوض و عطشا افتاده

چاره ای کن که نماند به روی دستم عمه ات از نفس و نجمه ز پا افتاده

امام علی علیه السلام فرمودند: «أَمَّا إِنَّ أَهْلَ الْكُوفَةِ لَوْ حَكَّوْا أَوْلَادَهُمْ بِأَيِّ الْفِرَاتِ لَكَانُوا شِيعَةً لَنَا» (کافی: ج ۶ ص

۳۸۹) آگاه باشید که اگر اهل کوفه، کام فرزندان شان را با آب فرات برمی داشتند، هر آینه، پیرو ما می شدند.

موضوع تدبر: آیا خواصی است که خداوند در آب فرات قرار داده یا تاثیر ارادت و عشق وادب به اهل بیت

(ع) سبب چنین تاثیری می گردد؟

پاسخ اجمالی:

«آب فرات» یادآور تشنگی امام (ع) و اهل بیت او و وفای عباس (ع) است و «تربت» سیدالشهدا، خاک آمیخته به خون «ثارالله»، این دو فرهنگ عاشورا و حب اهل بیت را با خود دارند؛ یعنی «شهادت» و «عطش» مهم ترین جلوه های عاشورا. از سنت های مؤکد شیعی، برداشتن کام نوزاد هنگام تولد، با تربت سیدالشهدا و آب فرات است (اندکی از تربت به کام نوزاد مالیدن، یا آب فرات در دهان او چکاندن). بی شک مقصود این نیست که برداشتن کام کودک با آب فرات باعث بی اثر شدن دیگر عوامل خواهد شد. (اثبات شی، نفی ما عدا، نمی کند) این کار، پیوند دادن نوزادان از همان بدو تولد با محبت امام حسین (ع) و عاشورا است، هم نشان عشق والدین به ایجاد این رابطه است، هم تاثیر طبیعی این «آب و خاک» در سرشت و طینت و خلق و خوی فرزندان. زیرا خداوند که در تربت سیدالشهدا «شفا» قرار داده است، اثر ایجاد محبت و امنیت هم در این تربت و نیز آن آب نهاده است.

پس، این یک سنت تاثیرگذار دینی برای ایجاد محبت است. والدین با انتقال این محبت در واقع سعادت ابدی

را به کودک خود هدیه می دهند؛ امام علی (ع) فرمودند: «مَنْ أَحَبَّنَا بِقَلْبِهِ وَأَعَانَنَا بِلِسَانِهِ وَقَاتَلَ مَعَنَا أَعْدَاءَنَا بِيَدِهِ فَهُوَ مَعَنَا فِي الْجَنَّةِ فِي دَرَجَتِنَا. وَمَنْ أَحَبَّنَا بِقَلْبِهِ وَأَعَانَنَا بِلِسَانِهِ وَلَمْ يَقَاتِلْ مَعَنَا أَعْدَاءَنَا فَهُوَ أَسْفَلُ مِنْ ذَلِكَ بِدَرَجَتَيْنِ، وَمَنْ أَحَبَّنَا بِقَلْبِهِ وَلَمْ يُعِنَّا بِلِسَانِهِ وَلَا يَبِيدِهِ فَهُوَ فِي الْجَنَّةِ.» (تحف العقول: ۱۱۸) «هر که در دل ما

را دوست بدارد و با زبانش یاریمان رساند و در کنار ما عملاً با دشمنانمان بجنگد، در بهشت با ما همدرجه خواهد بود و هر که در دل ما را دوست بدارد و با زبانش یاریمان رساند، ولی در کنار ما با دشمنانمان نجنگد،

دو درجه پایین تر از آن قرار خواهد گرفت و هر که در دل ما را دوست بدارد، اما با زبان و دست خود یاریمان نرساند، او نیز در بهشت خواهد بود. «(ثواب الأعمال، ج ۲، ص ۲۰۸) معلوم است که عشق به اهل بیت علیهم السلام همان عشق به خداوند است؛ زیرا دوست داشتن اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله مهر ورزیدن به ارزش های والای الهی می باشد.

«يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ إِنِّي سَلِّمُ لِمَنْ سَأَلَكُمْ وَ حَزَبٍ لِمَنْ حَارَبَكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ» (یا ابا عبدالله من تسلیم و در صلح با کسی که با شما در صلح است و در جنگم با هر کس که با شما در جنگ است تا روز قیامت) برای این اساس تقرب به خداوند و رسیدن به سعادت دنیا و آخرت با عشق و دوستی آل پیامبر صلی الله علیه و آله عجین شده است.

هر که خواهد همنشینی با خدا او نشیند در کنار اولیاء

از آثار اظهار عشق و داشتن عواطف پاک نسبت به معصومین علیهم السلام، ثبات قدم در راه دین و دینداری و پایداری در برابر گناه و فساد در اجتماع مسلمین است؛ از این رو در قرآن کریم می خوانیم: «**قُلْ لَا اسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ اجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى**»؛ (شوری / ۲۳). «بگو: من بر انجام امر رسالت، از شما مزدی نمی خواهم مگر دوستی و محبت درباره نزدیکانم.»

سعدی اگر عاشقی کنی و جوانی عشق محمد بس است و آل محمد

در زیارت امین الله نیز آمده است: «**اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ نَفْسِي .. مُجِبَّةً لِّصَفْوَةِ أَوْلِيَانِكَ مَحْبُوبَةً فِي أَرْضِكَ وَ سَمَائِكَ**.» (وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۳۹۵). «خداوندا! دل و جان مرا شیفته اولیای برگزیده ات قرار ده و مرا در زمین و آسمان محبوب گردان.»

مردم پیوسته از چهره های محبوبشان الگو و سرمشق می گیرند. ایمان عاطفی به رهبری حتی در اطاعت سیاسی و اجتماعی هم تاثیر می گذارد و روشن است که میان «شناخت»، «عشق حقیقی» و «پیروی» رابطه ای مستحکم وجود دارد. هر کس براساس معرفت خویش به محبوب ارادت می ورزد؛ لیکن از آثار و خواص تکوینی

پدیده ها نباید غافل بود. امام صادق علیه السلام درباره زمینه های عشق به اهل بیت علیهم السلام فرمودند: «من گمان نمی کنم کام نوزادی را با آب فرات برداشته باشند ولی او عاشق ما اهل بیت نباشد.» (الکافی، ج ۶، ص ۳۸۸)

در برنامه تربیتی فرزند، راه های مختلفی برای زمینه سازی دوستی اهل بیت علیهم السلام وجود دارد همچون نامگذاری کودک با نام های اهل بیت علیهم السلام، بردن به زیارت و مجالس آن بزرگواران، دقت در غذای کودکان، ذکر فضائل و آشنایی فرزندان با مقام اهل بیت علیهم السلام، ارتباط دادن خاطرات خوش زندگی با خاندان رسالت صلی الله علیه و آله و سایر مواردی که می توانیم به وسیله آن ها خود و فرزندانمان را در مسیر

ارادتمندان آل پیامبر و شیفتگان حضرات معصومین علیهم السلام قرار دهیم. توجه به این نکته ضروری است که باید از ابراز محبت در نزد افراد نامحرم پرهیز نمود.

امیرمؤمنان علیه السلام فرمودند: «ما را در پیش دشمنانمان مدح نکنید و در نزد نااهلان به ما اظهار علاقه ننمایید، زیرا آنان این عشق مقدس شما را بر نمی تابند و موجب تحقیر و اذیت شما می شوند.» (خصال، ج ۲، ص ۶۲۸). اما چنانچه بخواهیم بدانیم آیا موفق به تربیت خود و فرزندانمان شده ایم نشانه هایی دارد؛ از جمله اینکه در کلام حضرت امیر (ع) آمده است: «**مَنْ أَحَبَّنَا فَلْيَعْمَلْ بِعَمَلِنَا ، وَلْيَسْتَعِنْ بِالْوَرَع ، فَإِنَّهُ أَفْضَلُ مَا يُسْتَعَانُ بِهِ فِي أَمْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ**» (بحارالانوار، ج ۱، ص ۹۲). هر که ما را دوست دارد، باید به کردار ما عمل کند و از پارسایی مدد گیرد؛ چرا که آن، بهترین مددکار در امر دنیا و آخرت است.»

دل جایگاه عشق تو باشد نه غیر تو این خانه خداست به شیطان نمی دهم

امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: «هر کس می خواهد بداند که آیا عاشق حقیقی اهل بیت علیهم السلام است یا نه، به قلب خویش رجوع نماید، اگر در دلش محبت دوستان ما هست پس او دشمن ما نیست؛ دوست ماست، ولی اگر یکی از دوستان ما را در دلش دشمن می دارد، او دوستدار حقیقی ما نیست.» (بحارالانوار، ج ۲۷، ص ۵۳). روزی شخصی به حضور حضرت آمد و عرضه داشت: «یا امیرالمؤمنین! من تو را دوست می دارم و به فلانی هم علاقمندم. و در آن حال نام یکی از دشمنان آن حضرت را برد. حضرت به او فرمود: «یا کور باش یا بینا.» (مستطرفات السرائر، ص ۶۳۹). در زیارت جامعه کبیره می گوئیم: «**فَعَمَّ مَعَكُمْ لَا مَعَ عَدُوِّكُمْ ...**» (ای اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله!) من با شما هستم، با شما هستم، نه با دشمن شما ...» (من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۶۱۳).

ولایت اهل بیت و دلباختگی به این خاندان بدون آمادگی برای رنج و محنت ها و با گریختن از انواع محرومیت ها امکان پذیر نخواهد بود. مولا علی علیه السلام می فرماید: «**مَنْ تَوَلَّانا فَلْيَلْبَسْ لِلْمَحَنِ إِهَابًا**» (غررالحکم با ترجمه آقا جمال، ش ۹۰۳۸). هر کس ما اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله را دوست دارد، باید برای محنت ها پوستی دیگر بپوشد. یعنی باید برای تحمل انواع بلاها و مشکلات آمادگی داشته باشد. و گرنه در هنگام راحتی و آسایش هر کسی می تواند ادعای دوستی اهل بیت علیهم السلام را داشته باشد. آری راه عشق، راهی بس دشوار و رنج آور و بلاخیز است.

نازپرورده تنعم نبرد راه بدوست عاشقی شیوه رندان بلاکش باشد

در عوض آثار و برکات عشق به اهل بیت علیهم السلام بی شمار است؛ از جمله آنها: **حشر با اهل بیت علیهم السلام در روز قیامت**: علی علیه السلام فرمود: «**مَنْ أَحَبَّنَا كَانَ مَعَنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ ، وَ لَوْ أَنَّ رَجُلًا أَحَبَّ حَجْرًا لَحَشَرَهُ اللَّهُ مَعَهُ**» (امالی صدوق، ص ۲۰۹، مجلس ۳۷). هر که ما را دوست بدارد، در روز قیامت با ما

خواهد بود و اگر کسی سنگی را دوست داشته باشد، خداوند او را با آن محشور خواهد کرد.» **بالاترین درجات بهشت:** آن بزرگوار فرمود: «**إِنَّ أَهْلَ الْجَنَّةِ يُنْظَرُونَ إِلَى مَنَازِلِ شِيعَتِنَا كَمَا يُنْظَرُ الْأَنْسَانُ إِلَى الْكَوَاكِبِ**» (بحار الانوار، ج ۸، ص ۱۴۸). اهل بهشت به منازل شیعیان ما (در بالاترین درجات آن) نگاه می کنند همانطوری که انسان به ستارگان می نگرد.» **وصول به زیباترین نیکی ها:** امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: «**أَحْسَنُ الْحَسَنَاتِ حُبُّنَا، وَ أَسْوَأُ السَّيِّئَاتِ بُغْضُنَا**» (غررالحکم با ترجمه آقا جمال، ج ۲، ص ۴۸۰). زیباترین نیکی ها دوستی و زشت ترین بدی ها مخالفت و دشمنی با ما است.» **رسیدن به مقام شهید حضرت علی علیه السلام** فرمود: «**وَالْمَيِّتُ مِنْ شِيعَتِنَا صَدِيقٌ شَهِيدٌ؛ صَدَقَ بِأَمْرِنَا وَ أَحَبَّ فِينَا وَ أَبْغَضَ فِينَا يُرِيدُ بِذَلِكَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ**» (تاویل الآيات الظاهرة، ص ۶۴۲). میت شیعه ما صدیق و شهید است چون که امر ما را تصدیق نموده و به خاطر ما دوستی و دشمنی نموده است و از این کار خود، خدای عز و جل را اراده کرده است.» **چشم روشنی در هنگام مرگ:** روزی حارث همدانی به حضور علی علیه السلام آمد. امام علیه السلام از علت آمدن او جویا شد. او گفت: عشق و علاقه به شما مرا به اینجا کشانیده است. حضرت در تایید سخن او فرمود: «به خدا همین طور است. هیچ انگیزه ای جز محبت ما تو را به اینجا نیاورده است.» آن گاه علی علیه السلام به عنوان تشکر از اظهار علاقه این دوست صمیمی خویش، به او فرمود: «بدان که هیچ بنده ای از دوستان ما نمی میرد مگر اینکه در هنگام مردن، مرا آن طوری که دوست دارد می بیند و همچنین از دشمنان و مخالفین ما هم کسی نمی میرد تا اینکه در هنگام مرگ، در حالی که دلش نمی خواهد، مرا می بیند و شرمند می شود.» (اعلام الدین دیلمی، ص ۴۴۸).

ای که گفتی فمن یمت یرنی جان فدای کلام دل جویت
کاش روزی هزار مرتبه من مردمی تا بدیدمی رویت

دادرسی در سخت ترین لحظات: علی علیه السلام در حدیث دیگر به حارث فرمود: «**لینفک حبنا عند ثلاث: عند نزول ملک الموت و عند مسالتک فی قبرک و عند موقفک بین یدی الله**» (اعلام الدین دیلمی، ص ۴۶۱). [ای حارث!] دوستی و محبت ما اهل بیت در سه جای مهم و سرنوشت ساز برای تو سود خواهد داد: هنگام نازل شدن فرشته مرگ و موقعی که در قبر مورد سؤال و بازخواست قرار می گیری و زمانی که در روز قیامت در مقابل پروردگار ایستاده باشی.» **قبولی کارهای نیک:** امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: «هر کس ما اهل بیت را دوست داشته باشد، ایمان او مفید بوده و اعمالش مورد پذیرش قرار خواهد گرفت، اما اگر کسی محبت ما اهل بیت را در دل نداشته باشد از ایمان خویش بی بهره بوده و کارهای نیک و اعمال دینی او مقبول نخواهد بود، گرچه روزها روزه گرفته و شب ها به عبادت بپردازد.» (بصائر الدرجات، ص ۳۶۴). و در کلام دیگری فرمود: «ای قنبر! به خدا قسم کسی که در دل یقین به ولایت ما خانواده داشته باشد برای او از

عبادت هزار سال بهتر است، اگر بنده ای هزار سال خدا را عبادت کند خداوند عبادت او را نخواهد پذیرفت تا اینکه ولایت ما اهل بیت را قبول داشته باشد.»

ای دل غلام شاه جهان باش و شاه باش
پیوسته در حمایت لطف اله باش...
آن را که دوستی علی نیست کافر است
گو زاهد زمانه و گو شیخ راه باش
امروز زنده ام به ولای تو یا علی
فردا به روح پاک امامان گواه باش
هر کسی نمی تواند دوستدار اهل بیت باشد

وجود موانعی می تواند انسان را از دوستی اهل بیت علیهم السلام، محروم کند و استعداد درک حلاوت و لذت این عشق مقدس و هدیه آسمانی را کور کند: **تولد از حرام:** امام علی علیه السلام در ضمن سخنانی به نوف بکالی فرمود: «**كَذَّبَ مَنْ زَعَمَ أَنَّهُ وَلَدٌ مِنْ حَلَالٍ وَهُوَ يَنْفَعُنِي وَيَنْفَعُ الْأُمَّةَ مِنْ وَلَدٍ**» (امالی صدوق، ص ۲۰۹). ای نوف! دروغ می گوید کسی که خودش را حلال زاده می پندارد اما من و پیشوایان بعد از من را که از نسل من هستند، دشمن خود می داند. چنانکه امام صادق علیه السلام فرمود: «**مَنْ وَجَدَ بَرْدَ حُبِّنا عَلَى قَلْبِهِ فَلْيَكْثِرِ الدُّعَاءَ لِأُمِّهِ ، فَإِنَّهَا لَمْ تَخُنْ أَبَاهُ**» (بحار الانوار، ج ۲۷، ص ۱۴۷). احساس کند، به مادرش زیاد دعا کند، چرا که به پدرش خیانت نکرده است. **صفات زشت و غیر اخلاقی:** روزی مردی به علی علیه السلام عرض کرد: خداوند مرا فدای شما گرداند، من به شما خانواده خیلی علاقه دارم و آن حضرت را بسیار ستود، حضرت به او فرمود: «دروغ می گویی، مارا چند دسته دوست ندارند؛ انسان های بی غیرت و ناموس فروش، مردانی که حالات زنانه از خود بروز می دهند، متولدین از حرام و کسانی که مادرشان در ایام عادت به آن ها باردار شده است.» راوی حدیث می گوید: مدتی گذشت تا اینکه جنگ صفین پیش آمد، همان مرد به همراه لشکریان معاویه در جنگ صفین به هلاکت رسید از طرفی مومنی که اصرار بر گناه ندارد با محبت از گناه خویش پاک می شود؛ در ذیل روایت اصبع نباته، این حقیقت را واضح تر می نماید. او می گوید: در مسجد کوفه و در محضر امیرمؤمنان علی علیه السلام بودم که غلام سیاهی را به اتهام سرقت به محضر آن حضرت آوردند. بعد از سه بار اقرار وی به دزدی و اثبات آن در نزد علی علیه السلام، امام دستور داد تا دست راست او را قطع کنند. آن غلام با دست چپ، دست بریده خویش را در حالی که خون از آن می ریخت، برداشته و از محضر امام بیرون رفت. در این موقع یکی از خوارج و دشمنان حضرت به نام «ابن کوا» خواست از فرصت استفاده کند و آن غلام را که از دوستداران اهل بیت علیهم السلام بود به بدگویی بر علیه امام علی علیه السلام تحریک نماید، لذا به او گفت: «ای غلام دست تو را چه کسی قطع کرد؟! او در جواب ابن کوا چنین گفت:

«قطع یمینی امام التقی، و ابن عم المصطفی شقیق النبی المجتبی، لیث الثری، غیث الوری، حتف العدی و مفتاح الندی و مصباح الدجی. قطع یمینی امام بدری احدی مکی مدنی ابطحی هاشمی قرشی» دست راستم

را کسی برید که پیشوای متقیان و پسر عمو، برادر پیامبر صلی الله علیه و آله، شیر روی زمین، باران بیابان ها، کوبنده دشمنان و چراغ فروزان در تاریکی هاست. دست راستم را پیشوایی قطع کرد که قهرمان نبردهای بدر و احد بود. او سرور مکه و مدینه و ابطح است و از دودمان هاشم و قریش است. « بعد از این مدح و ثنای زیبا، بلیغ و طولانی، راه خودش را گرفت و رفت. ابن کوا با شگفتی تمام خود را به محضر علی علیه السلام رسانده و گفت: یا اباالحسنین! تو دست آن غلام سیاه را قطع کردی و او در کوچه و بازار با زیباترین عبارات و بهترین کلمات تو را مدح و ثنا می گوید. امام دستور داد غلام را حاضر کنند. سپس از او پرسید: «ای غلام! من دست تو را بریدم و تو مرا مدح و ثنا می گویی؟!» او پاسخ داد: «یا امیرالمؤمنین! تو دست مرا به حکم خداوند و رسول او بریدی و به حق بریده ای و به واجب خدا و رسول عمل کرده ای! چگونه تو را نستایم؟ امیرمؤمنان علیه السلام دست بریده او را گرفته و با عبای خود پوشانید و دو رکعت نماز خوانده و دعا کرد و بعد آن را بر جای خود قرار داد. آنگاه عبا را برداشت، دست غلام را به اذن الهی سالم یافتند. آنگاه به عبدالله بن کوا روی کرده و فرمود: «یا ابن الکواء، ان لنا محبین لو قطعنا الواحد منهم اربا اربا ما ازدادوا الا حبا و لنا مبغضین لو العقنهام العسل ما ازدادوا الا بغضا» (التحصین ابن طاووس، ص ۶۱۳). ای ابن کوا! ما دوستانی داریم که اگر ایشان را قطعه قطعه کنیم جز بر دوستی و محبت آنان نسبت به ما نیفزاید و دشمنانی داریم که اگر عسل خالص در گلولی آن ها بریزیم جز بر دشمنی ایشان نسبت به ما نخواهد افزود.»

شهادت قاسم بن الحسن (ع)

نوجوان ۱۳ ساله، کسی که وقتی میخواد بره میدان جنگ، زره به تنش نمی شد عاقبت کفن تنش کردن، حالا قاسم داره میره سمت میدان، همچنین که وارد شد شروع کرد رجز خواندن، **ان تنگرونی فانا ابن الحسن**، نمیشناسید؟ بشناسید. من پسر حسنم. کدام حسن؟ «سبطُ النَّبِيِّ المصطفی المؤمن...» من نوه ی علی ام، من نوه ی فاطمه ام، من پسر حسن بن علی ام، خیلی هارو به درک واصل کرد... یه وقت دیدن صدای اهل حرم بلند شد، قاسم رو دوره کردن، همین که افتاد صدا زد: عمو جان، عمو استخوان هام شکست، آنقدر زیر دست و پا موند زیر سم های اسب ها... امام حسین با عجله اومد بالا سر قاسم، بچه رو بغل گرفت، قاسم وقتی که می خواست بره میدان سوار بر اسب شد پاهاش به رکاب نمیرسید، اما موقع برگشتن پاهاش رو زمین کشیده می شد، شیخ جعفر شوشتری میگه: دوتا علت داشت، یا آنقدر داغ سنگین بود امام حسین با قد خمیده برگشت سمت خیمه، یا آنقدر بدن زیر سم اسب ها...

تا نیزه ای غریب عنان مرا گرفت پهلوی من نشست و نشان مرا گرفت

می‌رفت تا که فاش؛ پدر خوانمت عمو! سُمّ فرس رسید و دهان مرا گرفت
گویند بو کشیدن گل؛ مرگ مؤمن است بوی خوش دهان تو جان مرا گرفت
من سینه ام دُکان محبّت فروشی است آهن فروش از چه دُکان مرا گرفت
دشمن که چشم دیدن ابروی من نداشت سنگی رها نمود و کمان مرا گرفت

السلام علیکم یا اهل بیت النبوة